

تحلیل زمینه گرای کالبدی در معماری سنندج و نقش آن بر طراحی مراکز فرهنگی

هانا رستگار^۱، فرزین چاره جو^{۲*} (نویسنده مسئول)

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران hannahrastegar2@gmail.com

۲- استادیار گروه شهرسازی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران f.charehjoo@iausdj.ac.ir

چکیده

احیای ارزش های هر سرزمین در گرو شناخت و تلاش در راستای تقویت آن می باشد. در این میان لازم است تا الگوی معماری ایرانی- اسلامی به عنوان یکی از غنی ترین سبک های معماری جهانی، در این زمینه توانمند بوده و متناسب با نیازها و سلیقه زندگی معاصر شکل گیرد در این راستا طراحی و عملکرد فرهنگسراهای هنر به عنوان پایگاه هنری و فرهنگی می تواند تاثیر بسزایی داشته باشد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تحلیل جایگاه فرهنگستان های هنر بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی و با بهره گیری از روش تحلیلی- توصیفی صورت پذیرفته است.

تلاش این مقاله بر بیان هر چه ملموس تر تاثیر معماری زمینه گرا بر بافت های بکر و در نهایت رسیدن به راهکارهایی جهت طراحی در تناسب هر چه بیشتر با بافت است. در این پژوهش سعی شده است با توجه به اهمیت ارزش های سایت و زمین به عنوان بستر شکل گیری تمدن ها، به نقش معماری زمینه گرا در اثر خلق شده به عنوان یکی از مهم ترین شاخصه ها پرداخته شود. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که عناصری چون فرم و شکل- مقیاس- تناسبات- جزئیات مصالح- بافت- رنگها- هندسه- دسترسی ها- جهت گیری- چشم اندازها و پرسپکتیو- توپوگرافی محل- وضعیت پوشش گیاهی- بافت شهری شامل میزان تراکم بناها- خیابان ها و پیاده روها و نسبت آن ها با یکدیگر- جنس مصالح- ترکیب بندی مصالح- بر زمینه گرای کالبدی تاثیر گذار خواهند بود.

کلمات کلیدی: فرهنگستان هنر، زمینه گرای، سنندج

Analysis of Physical Contextualism in Sanandaj Architecture and Its Role on Designing Cultural Centers

Abstract

Revitalizing the values of each land depends on recognizing and striving to enhance it. Meanwhile, Islamic-Iranian architecture as one of the richest styles of global architecture, is capable and tailored to its needs and tastes. Contemporary life is formed in this regard the design and function of art centers as an art and cultural base can have a great impact. In this regard, the present study aimed to analyze the position of art academies on preserving and promoting the values of Iranian Islamic architecture by using a descriptive-analytical method. The purpose of this article is to express more tangibly the impact of contextual architecture on pristine textures and ultimately to come up with design solutions to fit the context. In this study, due to the importance of site and land values as the basis of the formation of civilizations, the role of contextual architecture in the work created as one of the most important features is discussed. The results show that elements such as form and shape - scale - proportions - details of materials - texture - colors - geometry - accessibility - orientation - perspectives and perspective - location topography - vegetation status - urban texture including density Buildings - the streets and sidewalks and their relation to each other - the material of the material - the composition of the materials - will affect the physical context.

Keywords: Academy of Art, Orientalism, Sanandaj

۱- مقدمه

راه های چندی برای طراحی ساختمانی جدید به صورتی همگون و موافق با زمینه ی معماریش وجود دارد، از یک سو طراح می تواند عینا عناصر معماری را از ساختمان های اطراف کپی کند و از سوی دیگر از فرم های کاملا جدید برای دگرگون کردن و بهبود بخشیدن ویژگی های بصری ساختمان های موجود بهره جوید . نظریه ی " معماری زمینه گرا " مبتنی بر هر یک از این راه کارها و یا راهی میانه، رضایت بخش است . مشروط به اینکه با مهارت انجام گیرد در هر شرایطی اگر به جای سبک های تقلیدی و یا نوآوری های افراطی روابط بصری مستحکم و روشنی به وجود آمده باشد مایه ی آزردهی بصری نخواهد بود . معماری زمینه گرا به مقوله ی سبک های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان های مجاور مربوط به دوره ها و یا سبک های مختلف می پردازد . طی نیم قرن اخیر موضوع توفیق در ایجاد چنین هماهنگی از توجه معماران به دور مانده است - حاصل آموزش معماری نیز به جای ایجاد سازگاری بصری بین ساختمانها بر ایجاد تقابل بین ساختمان های جدید و قدیم بوده است . بیشتر ساختمان های کنونی با محیط سنتی و غیرمدرن، مربوط به دوره های مختلف تاریخی هستند. برخی از این ساختمان ها حتی آگاهانه و تعمدی زمینه خود را نادیده می گیرند به طور کلی ایجاد سازگاری بین معماری مدرن با زمینه مدرن همواره آسانتر از ایجاد سازگاری معماری مدرن با زمینه غیرمدرن بودهاست. بایستی توجه کرد این بدان معنا نیست که ساختمان های کنونی که زمینه غیرمدرن خود را نادیده می گیرند لزوما نازیبا و بدنما بوده و یا در برخی موارد از زمین های که آن را نادیده انگاشته اند کم اهمیت تر هستند، بلکه بی توجهی در انکار زمینه اساسا ماهیت خودمحورانه و ضداجتماعی حرکت مدرن را نشان می دهد.

معماری در بافت های با ارزش می تواند به ظرفیت هایی برای ترویج فرهنگ و تمدن تبدیل گردد، طراح با نگرستن به ارزش های بومی و زمینه می تواند به خلق اثری ماندگار و هم سازگار در بافت های شهری پردازد. فرهنگ کیی از این عوامل مهم در چگونگی شکل گیری فضاهای معماری به شمار می آید. به ویژه در نواحی کردستان این موضوع به صورت بارزی قابل درک است. البته گاهی برخی فرهنگ را حتی مهم تر از اقلیم عامل درجه اول بر می شمارند. فرهنگ را در یک تعریف بسیار کلی می توان مجموعه ای از اعتقادات، باورها، سنت ها و الگوهای رفتاری و نیز دانش، اطلاعات و ادبیات مکتوب و شفاهی جامعه دانست و آن را از تمدن که در این تعریف مجموعه ای از دستاوردهای جامعه است، متفاوت دانست. هر جامعه ای دارای فرهنگ خاص خود است که شالوده معماری آن جامعه را پی ریزی می کند و معماری آن جامعه تصویر عینی آن فرهنگ است.

۲- روش پژوهش

در این نوشتار سعی بر این است که در قالب پژوهشی توصیفی، تاریخی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای و مطالعات موردی خانه های شهر سنندج، الگوی مناطق کوهستانی، معیارها و ویژگی های کالبدی این گونه بناها را که باعث تمایز آن ها از بناهای معمول می شوند استخراج نماییم.

۳- مفاهیم کلیدی پژوهش

۳-۱- زمینه و زمینه گرایی

زمینه گرایی و منطقه گرایی^۱ هر دو واژه هایی هستند که برای نخستین بار در غرب جعل و تفسیر شده اند. بنابراین باید ریشه ی آنها را در زبان آنجا جست. به تعبیر دیگر، باید در آغاز به زبان گوش فراداد تا دانست این واژه ها از خود چه می گویند، چه چیزی را نشان می دهند، و از چه حکایت می کنند.

کانتکست^۲ از واژه ی لاتین contextus ریشه گرفته که اشاره به ارتباط میان کلمات و انسجام میان آنها دارد. فعل آن contexere است که به معنای درهم بافتن و در هم تافتن است. بنابراین، context در اصل به هم تافتن و مرتبط ساختن کلمات و جملات به منظور ساختن یک سخن یا گفته است. از این رو، context مشار به ارتباط، اتصال، هم نشینی و هم بافی

¹ . regionalism
² . context

میان اجزاست. در بستر شهر، به گونه ای قیاسی، می توان context را اتصال و هم نشینی میان بناها خواند. با توجه به این ریشه شناسی، شاید برگردان درست تر context بافت یا همبافت باشد، اگر چه بافت را اغلب در مقابل fabric قرار می دهیم. بنابراین، contextual به تعبیر درست تر "هم بافت" است و نه زمینه. بدین سان، بهتر است تا contextualism را "همبافت گرای" بخوانیم و نه زمینه گرایی. زمینه بیشتر دلالتی دویعدی و سطحی دارد و اشاره به بستر می کند، در حالی که بافت و بافتن کنشی سه بعدی و فضایی است. با این وجود، فعلا از این جدل می گذریم و همان زمینه گرایی را در برابر contextualism می پذیریم، در همان حال که مفهوم اصیل آن را همواره مد نظر نگه می داریم (ناجی، ۱۳۹۳).

۳-۲- زمینه گرایی در معماری

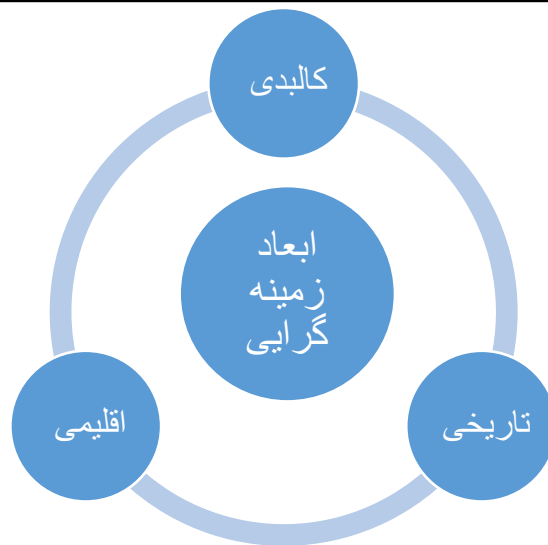
هگل، هردر، آرتولد توین به رابطه میان انسان و محیطش اشاره می کنند و اهمیت محیط طبیعی اش را باز شناخته اند، لکن توأمان بر توانمندی انسان به پاسخ گویی و شکل دادن به جهان تأکید کرده اند. واضح است که انسان نه تنها طبیعت، بلکه خود، اجتماع و فرهنگ را نیز می سازد. یکی از اصول اساسی مارکسیسم این است که انسان به عنوان موجودی زیست شناختی بخشی از طبیعت است و مکان انسان ساخت فهم او از محیط اش را نمایان می سازد، تکمیل می کند و نهادینه می سازد. طراح و معمار باید پیام زمینه و بستر طرح و متنی را درک کند و پس از آن با توجه به شرایط موجود طراحی کند طراحی باید مبتنی بر نگرشی واقع بینانه بر اطلاعات محیط باشد و ساختمان باید با ساختگاه خود تعاملی درست و متوازن برقرار کند به گونه ای که آندو می گوید: معماری کشف بنایی است که سایت آن را می طلبد، در نظر او معماری و زمینه در تعاملی دو جانبه پایه گذاری معماری هستند. در معماری زمینه گرا، معماری نه تنها برای مکان شدن عمل می کند و نه برای فضا شدن بلکه به باز تولید نیروی محیطی و مکمل های متافیزیکی آن می پردازد. معماری زمینه گرا، معماری است که به خلق آثار مطلوب تر و متعالی تر در موازنه محیط منجر می شود. معماری که در عین حال که به گونه ای ضمنی به تمایز مکان نظر دارد به صراحت تداوم ارزش های کالبدی و غیر کالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است با این حال خلق ارزش های جدید را نفی نمی کند. رویکرد اصلی زمینه گرایی، درک ارزش های زمینه و تداوم در آینده است.

در واقع زمینه گرایی مبتنی بر این اصل است که یک پدیده به صورت مجزا و مجرد از پیرامون خود قابل تصور نیست و پدیده ها تنها در انحصار نیروها، جوهره و ویژگی های درونی خود نمی باشند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود وابسته اند. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می گذارد و از آن نیز تأثیر می گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. در واقع کل هستی به هم پیوسته است و هر جزئی مؤثر در کل است و هر تغییر در جزء، در کل هستی تأثیری حتمی از خود به جا خواهد گذاشت. شولتز برای فهم روح مکان مفاهیم « معنا » و « ساختار » را مطرح می کند. معنای هر شیء ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد. " ساختار " در عوض، به ویژگی های شکلی و فرمی مجموعه ای از روابط اشاره دارد. به طور کلی زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی است که بر طبق آن طراح زمینه گرا باید قادر باشد ویژگی های مکان را دریابد و آن را بخشی از فرایند طراحی خود قرار دهد (محمدنیا، ۱۳۹۳).

۴- مبانی نظری پژوهش

زمینه گرایی یکی از دیدگاه های رایج در شهرسازی است که زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می پندارد. زمینه گرایی ابتدا به ابعاد صرفا کالبدی توجه داشت، اما بتدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی فرهنگی جامعه گسترش داد. زمینه گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی های درونی خود نمی باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن ها نیز به این عوامل وابسته می باشد (برولین، ۳، ۱۳۸۳).

³. brolin



نمودار ۱- ابعاد مختلف زمینه گرایی

۴-۱-زمینه کالبدی

در زمینه گرایی کالبدی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی شود ، بلکه در زمینه وسیع تر محیطی قرار می گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ تر شهری مرتبط است و در سلسله مراتبی از مجموعه ها قرار دارد. بنابر این زمینه گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه معین است. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در " مجموعه موجود" به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک زنده و مطلوب ایجاد کند (واتر هاوس^۴، ۱۹۷۸).

۴-۲-زمینه تاریخی

تاریخ گرایان بر این عقیده اند که گذشته، برای شهر ساز یکنونی درس هایی عینی دارد. اگر جامعه ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. انسان، در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی تواند از ابتدا آغاز شود. چندین هزار سال است که حیوانات روز خود را همانند گذشته آغاز می کنند، اما در مورد انسان، قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته اوست. به گفته پوپر ما تحقیقی را انتخاب می کنیم که سابقه ای از تکامل علم در پس آن نهفته است و سعی در ادامه آن داریم. باید از آنچه گذشتگان انجام داده اند بهره بگیریم. در غیر این صورت در هنگام مرگ هنوز مانند آدم و حوا رفتار خواهیم کرد. اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خاصی خورده است و همان طور که فرضیه برای کشف واقعیت ها در علم به کار می رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد و گرچه سنت قبل نقد و تغییر است، اما نظامی خاص ایجاد می کند و مبنایی است برای عمل (واتسون^۵، ۲۰۰۳).

۴-۳-سنت گرایی

سنت گرایی از سیمای شهر گذشته الهام می گیرد و بر این باور است که توسعه جدید باید با محیط پیرامون رابطه تنگاتنگ داشته باشد. کانون تفکر آنان متوجه محیط شهری است که برای مردم مأنوس باشد. پاتریک گدس از طرفداران پرشور حفظ سنت های معماری و فرهنگی و مخالف سرسخت تحمیل شهرسازی غربی بر جوامع غیر غربی بود. به نظر او تخریب نابخردانه بافت های قدیمی هویت فرهنگی را نابود می سازد. وی پیش از هرگونه فعالیت اقدام شهرسازی، مطالعاتی جامع در زمینه حیات اقتصادی، جغرافیایی، زمین شناسی و بالاتر از همه تاریخ و نهادهای شهر انجام می

⁴. waterhouse

⁵. watson

داد. نظریه جراحی محافظه کارانه او بر این فرضیه استوار بود که هر اندازه درک ما نسبت به روح شهر و جوهره تاریخی و حیات پیوسته آن بیشتر باشد، زندگی شهری را بیشتر لمس خواهیم کرد. وی در شهرهای قدیمی ساختمان ها و بناها را به صورت ساختاری جدایی ناپذیر و درهم بافته تلقی کرد، که به دلیل عادت غربی ها به نظم ماشینی به ظاهر نامنظم می نماید (اسمیت^۶، ۲۰۰۷).

۴-۴-زمینه گرایی اجتماعی- فرهنگی

زمینه گرایان اجتماعی- فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک، فرهنگ یعنی مجموعه ارزشها، باورها، جهان بینی و نظام های نمادی مشترک به محیط خود معنی می دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می کنند (راپوپورت^۷، ۱۹۷۷).

۵-معماری سنتی سنندج

شهر سنندج از نظر اقلیمی در منطقه سرد قرار دارد و معماری آن وابسته به موقعیت اقلیمی مناطق سرد می باشد. بررسی فرم و جهت ساختمان ها و عناصر عملکردی این شهر نشان می دهد که ساکنین آن با استفاده از موقعیت و زوایای تایش در جهت بهره گیری از انرژی خورشید در دیوار ها و بام ساختمان با دقت نظر عمل کرده و از آن بهره مند می شدند و از شکل دهی فرم بنا ها در جهت صرفه جویی انرژی استفاده کرده اند و معماری خانه های قدیمی سنندج اکثرا متعلق به دوره قاجار می باشد که لز لحاظ طرح و سبک قابل مقایسه با سبک اصفهانی است که در دوره صفویه طرح رایج در معماری آن دوره بوده است و به عنوان مثال می توان از خانه حبیبی ها، عمارت آصف (خانه کرد)، عمارت خسرو آباد، عمارت مشیر دیوان، خانه وکیل و ... نام برد. ورودی خانه های قدیمی از اجزای سردر، هشتی، دالان تشکیل می شود که یر در خانه ها تنها نمای برون گرا محسوب می شود که به خاطر جلوگیری از تابش آفتاب و نفوذ رطوبت در اثر بارندگی، در معماری سنتی ایران و خصوصا در شهر سنندج به علت حفظ حریم خانواده و همچنین تهدید اشرار باعث شده که در نمای بیرونی خانه پنجره نصب نشود.



شکل ۱- معماری و بافت شهر سنندج، نگارنده

۶-طراحی زمینه گرا

در طراحی زمینه گرا این انگاره پوچ گرایانه که «اگر اثری خارق العاده چه به لحاظ فرمی و چه ایده خلق نکنند، کاری بی ارزش انجام داده اند» باید در همان ابتدای طراحی به دور انداخته شود و با نگاهی به اطراف مشخص می شود که عمده ترین مشکل بصری شهرهای ما، انسجام و تداوم است. انسجام و تداوم زمانی از مکان های طراحی فاصله می گیرد که ویژگی های صفات هویتی مکان از عمق زمانی بسیار ناچیزی برخوردار می گردد. ما باید سبک زمان خود فراتر رفته و به سبک های مناسب برای زمینه های مختلف دست یابیم.

⁶. Smith

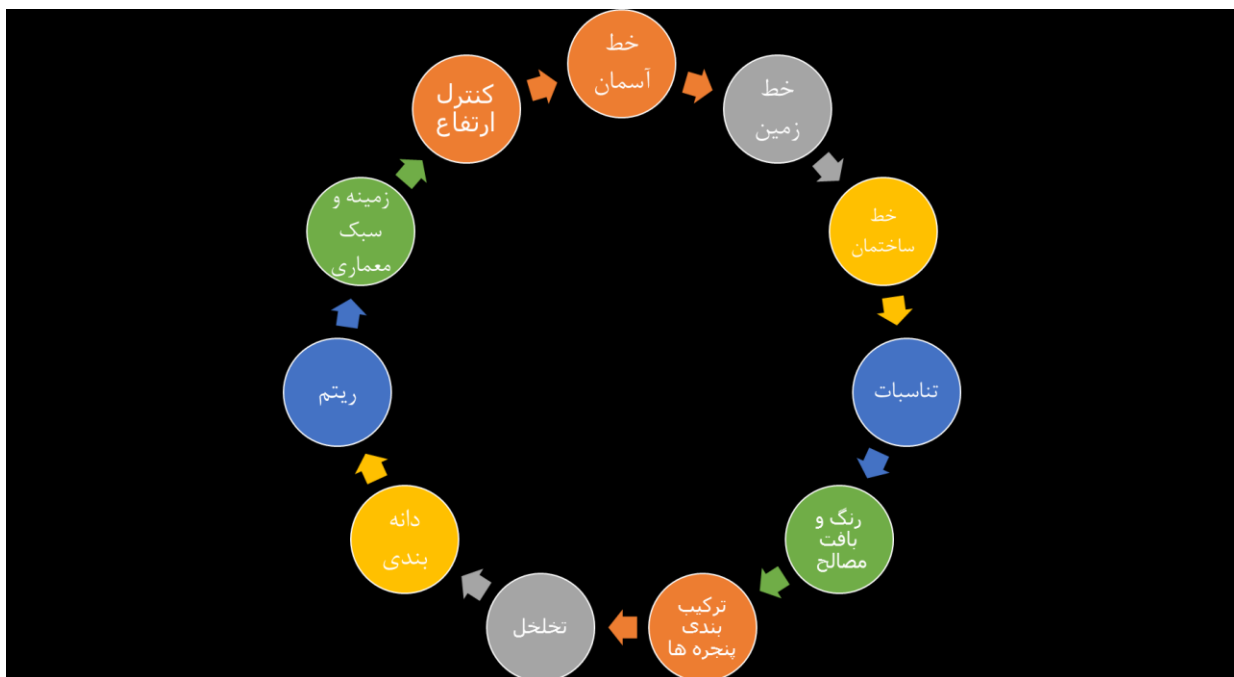
⁷. Rapoport

توجه به روحیه زمان از توجه روحیه مکان اعتبار و اهمیت کم تری دارد. نگاه زمینه گرا نوعی انتخاب روشنفکرانه القاطی نیست که سبکی را بدون توجه به محیط پیرامون آن برگزینند، بلکه نگاهی وابسته تر به ویژگی های بصری است تا در انتخاب به طراح کمک کند. تاریخ نشان داده است که سبک های مختلف معماری می توانند در کنار یکدیگر شکل گرفته و در عین حال، هویت خاص زیبایی شناسی خود را نیز حفظ کنند. این امر تنها مستلزم ارزیابی آگاهانه و دقیق علائم بصری زمینه و وجود طراحانی است که از مهارت خلق ساختمان های سازگار و پاسخگو بهره جویند (برولین، ۱۳۸۳).

در پس واژه ها معنایی نهفته است که باید آن را شناخت. کشف معنی رویداد یا عملی در زمینه ای خاص از طریق درک نشانه هاست. واقعیتی که از معنای خاص فرهنگی فارغ باشد، وجود ندارد. تحلیل یک پدیده کالبدی زمانی میسر است که در یابیم در آن فرهنگ چه معنایی برای آن قائل اند. ارزش های کالبدی فضایی بر آمیختگی متناسب توده و فضا و شکل بدنه فضاهای محصور کننده برای ایجاد یک کل استوار است. در دیدگاهی جدید طراحان غربی نیز، که در شرح و بسط این مفاهیم همانند گذشته پیشگام بوده اند. هم چنان بر دست یابی به کلیتی موزون تأکید می شود. لذا بحث ارزش های شکلی در طراحی از آن جا که به کل (شهر یا قسمتی از شهر در مقابل جز) (یک اثر معماری) نظر دارد، با معماری متفاوت است. ممکن است بنا فی نفسه دارای ارزش معماری نباشد، اما با قرار گرفتن در مجموعه ای از چند بنا و همراه با سایر عناصر ارزش پیدا کند، یعنی ارتباط و کنار هم قرارگیری و امتزاج در یک کل هماهنگ با ویژگی جدید به گفته کالن، همان طور که هنری به نام معماری داریم چیزی هم به نام هنر ارتباط دارد. که عبارت است از ترکیب کلیه عناصر سازنده محیط مانند بناها و درختان و طبیعت و آب و ترافیک و علائم و تبلیغات در شهر (توسلی، ۱۳۷۶).

۷- عوامل موثر در طراحی با زمینه گرایی کالبدی

عناصری چون فرم و شکل - مقیاس - تناسبات - جزئیات مصالح - بافت - رنگها - هندسه - دسترسیها - جهت گیری - چشم اندازها و پرسپکتیو - توپوگرافی محل - وضعیت پوشش گیاهی - بافت شهری شامل میزان تراکم بناها - خیابانها و پیادهروها و نسبت آنها با یکدیگر - جنس مصالح - ترکیب بندی مصالح - ترکیب احجام و فرمها در کنار یکدیگر - سازماندهی فضاها - همجواری بناها با یکدیگر - پیوند بناهای قدیمی و جدید - خط آسمان - خط زمین و نوع اتصال به زمین و بسیاری از این مسایل را دربر می گیرد (استوکولز، ۱۱۱۹).



نمودار ۲- عوامل موثر در زمینه گرایی کالبدی، نگارنده

۷-۱- خط آسمان

خط آسمان فصل مشترک تاج بنا با آسمان است. انتهای جداره، جایی است که از لحاظ بصری جداره به آسمان می رسد و اصطلاحاً لبه برخورد به آسمان یا خط آسمان نامیده می شود. این لبه در مقابل لبه برخورد به زمین جای دارد (چیتگرها، ۱۳۹۱).



شکل ۲- خط آسمان در بناهای سنتی سنندج، نگارنده

۲-۷ خط زمین

خط زمین محل برخورد جداره با کف مسیر است. خط زمین می تواند به صورت صاف یکنواخت باشد و یا به صورت شیبدار و پلکانی؛ که صاف یا شیبدار بودن سطح بستگی به موقعیت زمین و نحوه طراحی جداره دارد.



شکل ۳- خط زمین در بناهای سنتی سنندج، نگارنده

۳-۷ خط ساختمان

میزان پیش آمدگی یا عقب نشینی از جداره به عنوان خط ساختمان مطرح می شود که این پیش آمدگی و عقب نشینی برای ایجاد تنوع در جداره تاکید در بخش هایی از جداره و همچنین با توجه به عملکرد جداره می باشد.



شکل ۴- خط ساختمان در بناهای سنتی سنندج، نگارنده

۴-۷- تناسبات

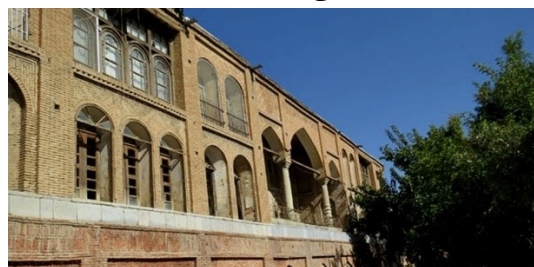
تناسبات صفحه اصلی نما ساختمان ها در جداره خیابان بایستی مورد بررسی قرار گیرد. نسبت طول به عرض نمای هر ساختمان، بایستی در تعادل با نسبت کلی نمای دیگر ساختمان ها باشد. برای مثال اگر ساختمانی بیش از حد تناسب افقی داشته باشد، با نسبت کلی جداره در تعادل نیست و همچنین می تواند ایجاد یکنواختی کند.



شکل ۵- تناسبات در بناهای سنتی سنندج، نگارنده

۵-۷- زمینه جداره و سبک معماری

زمینه جداره به جنبه های عمومی معماری، رنگ و تکرار اجزاء و عناصر کالبدی اطلاق میگردد که در کل جداره خیابان حضور دارند و عامل وحدت و هویت بخشی به آن محسوب میگردد. در شهرهای گذشته رنگهای طبیعی مصالح محلی که بناها به وسیله آن ساخته میشد به شهر چهره ای هماهنگ و همگون می داد و با روحیه، اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر تطبیق می کرد، به این ترتیب، رنگ هر شهر جنبه ای از هویت آن محسوب می شد (بهزادفر، ۱۳۸۶).



شکل ۶- سبک معماری در بناهای سنتی سنندج، نگارنده

۶-۷- ریتم

خطوط نمای جداره می توانند ریتم هایی را در جهت افقی و یا عمودی ایجاد کنند. وجود تعادل در این ریتم ها می تواند به غنای بصری جداره کمک کند. خطوط افقی جداره از چهار دسته خط تشکیل شده اند:

۱. خط پایه یعنی تقاطع دو سطح کف و بدنه

۲. خط انتهایی طبقه اول، بالای مغازه ها و ورودی ها

۳. خط فوقانی طبقات

۳. خط آسمان

خطوط عمودی از امتداد کنار روزنه ها یا امتداد عنصر عمودی در نما تشکیل میشوند. گاه در جداره خطوط عمودی آنچنان غلبه ای بر خطوط افقی میابند که خطوط افقی کاملاً نادیده گرفته می شوند (چیتگرها، ۱۳۹۱).



شکل ۷-ریتیم در بناهای سنتی سنندج، نگارنده

۷-۷-تخلخل

یکی از تخلخل هایی که در برخی جداره ها مشاهده می شود کنسول می باشد. کنسول، حجمی است بیرون زده در ارتفاعی از سطح بدنه که تمامی سطوح آن بسته می باشند. کنسول ها از عناصر حجمی یک جداره هستند که بسته به نوع و ارتباط مابینشان ایجاد ریتیم یا تاکید در جداره می نمایند. در طراحی کنسول هماهنگی بین اجزاء کنسول و اجزاء جداره ضروری است.



شکل ۸-تخلخل در بافت معماری سنندج، نگارنده

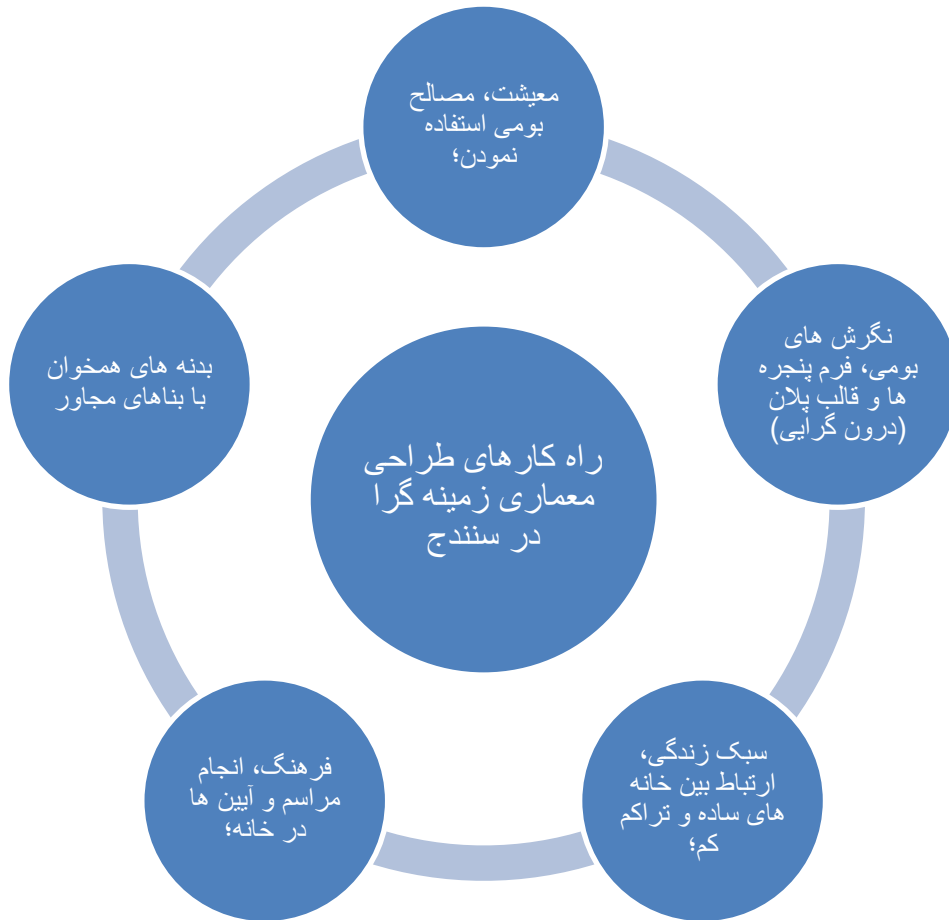
۸-نتیجه گیری

هدف معماری زمینه گرا آشنایی با روشهایی است که برای ایجاد ارتباط بصری سازگار و همگون تر میان ساختمانها می توان - از آن بهره جست. در نهایت هدف رسیدن به یک نوع زبان الگوست. زبان الگو به کسی که آن را بکار می برد قدرت میدهد که بی نهایت بنای تازه و بی همتا به وجود آورد درست همان طور که زبان عادی به او قدرت میدهد که بی نهایت جمله بسازد. زبان الگو سیستم محدودی است از قواعدی که می توان از آن برای ایجاد بی نهایت بنای مختلف که همه اعضای یک خانواده بنایند - استفاده کرد و استفاده از این زبان به اهالی روستا یا شهر امکان می دهد همان تعادل کاملی را میان وحدت و کثرت پدید آورند که فضا را زنده می سازد. در همه فرهنگ های انسانی چیزهایی که عالم از آن ها ساخته شده است همواره در سیطره زبان های الگویی است که مردم بکار می برند. هر پنجره، هر در، هر خانه، هر حیاط، هر خیابان، هر محله، هر شهر همیشه شکل خود را از این زبان ها می گیرد این زبان ها مبنای تمامی ساختار عالم ساخته انسان است همه ساختمان ها لزوما نباید با ساختمان های اطراف سازگاری و همگونی داشته باشند بلکه مواردی نیز وجود دارد که به جنبه های زیباشناختی و یا نمادین از تضادی مناسب و مطلوب برخوردار است.

معماری زمینه بدان معنا که مؤلفه های هویت و منظر شهری را در خود جای داده و به انسانی که در درون آن خواهد زیست فکر خواهد شد. بنابراین دست یابی به این مؤلفه ها برای طراحی را مهم ترین خصوصیت ساختارهای کالبدی و اهداف طراحی خانه هایی با اصول معماری ایرانی اما در بطن مدرن و نیازهای انسان معاصر و آینده را خواهیم داشت در نتیجه می توان با دریافت های کالبدی و زمینه گرا در معماری و شاخصه های فرهنگی مردم هر منطقه به مؤلفه های یکسان در طراحی معماری برای هر بعد مکانی و زمانی دست یافت، این راه کارها براساس فاکتورهای جدید به این گونه است.

- فرم درون گرا، مردم کرد درون گرا هستند؛
- معیشت، مصالح بومی استفاده نمودن؛

- نگرش های بومی، فرم پنجره ها و قالب پلان (درون گرایی)
- سبک زندگی، ارتباط بین خانه های ساده و تراکم کم؛
- فرهنگ، انجام مراسم و آیین ها در خانه؛
- بدنه های همخوان با بناهای مجاور



نمودار ۳- راهکارهای معماری زمینه گرا در سنج، نگارنده

جدول ۱- تحلیل معماری کالبدی منطقه بر اساس یافته ها

ویژگی های دریافتی از معماری سنج	یافته ها
پیش بینی ساختمانها در 1 یا 2 طبقه	طبقات
استفاده از پلان متراکم و فشرده	پلان
انتخاب بام های مسطح جهت نگهداری برف به عنوان عایق حرارتی	بام
ایجاد بادشکن مانند درخت، حصار و...	عایق ها
احداث ساختمان در زمین در دامن ههای پشت به باد	جهت باد
استقرار ساختمان در جهت تابش حداکثر انرژی خورشید در مواقع سرد	گرمایش طبیعی
گسترش و کشیدگی پلان در جهت محور شرقی- غربی	جهت فرم و پلان

استفاده از نورگیرهای سقفی و پنجره‌های عمودی در نماهای جنوبی	نورگیرها
سایه بان های مناسب برای هدایت آفتاب زمستانی به فضای داخلی	سایه بان
عوامل زمینه برای معاصر سازی	
	<p>ابعاد زمینه گرای</p> <p>اجتماعی- فرهنگی</p> <p>انطباق معماری بناها - با ارزش ها و باورهای جامعه مانند رعایت محرمیت ها</p>
	<p>اقتصادی</p> <p>فضاهای کوچک و محصور</p>
	<p>کالبدی</p> <p>انطباق و تناسبات فرم و کالبد بنا با محیط طبیعی و انسانی انطباق مصالح، بافت و رنگ آنها با محیط طبیعی و انسانی</p>
	<p>تاریخی</p> <p>شناخت اصول - معماری گذشته هر منطقه و بهره گیری از اصول و قواعد طراحی و ساخت متناسب با محیط هر منطقه.</p>
	<p>اقلیمی</p> <p>جهت آفتاب و عوارض زمین عامل تعیین کننده در نحوه استقرار بافت متراکم و به هم متصل 3. معابر باریک به موازات خط تراز زمین</p>

منابع

برولین، برنت (۱۳۸۳): "معماری زمینه گرا سازگاری ساختمان های جدید و قدیم"، تهران. سجادزاده، حسن و محمد موسویان. (۱۳۹۴). زمینه گرای کالبدی در خانه های سنتی ایران نمونه موردی روستای ابیانه، کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی. محمدنیا، سمیرا؛ فاروقی، محمدرضا و وحیدی، طاهر. (۱۳۹۳). طراحی مجموعه اقامتی و گردشگری در کاشمر با رویکرد معماری زمینه گرا، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه گیلان - دانشکده هنر و معماری.

ناجی، نرگس. (۱۳۹۳). طراحی فرهنگسرای هنر و معماری در شهر تهران با بهره گیری از اصول زمینه گرایی در شکل گیری آن، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه پیام نور واحد تهران - دانشکده هنر و معماری.

Brolin, B.C.(1980) architecture in context: fitting new building with old. ... Gui, N, Sun. H and Blondia. C, (2011), "Toward architecture-based context-aware deployment and adaptation", The Journal of Systems and Software Vol 84. PP 185–197

Rapaport, a. (1977) Human aspects of urban form New York; ...

Smith,P.F.(2007). Architecture & the Principles of Harmony .London :RibaPubblications Limited

Watson, Donald.(2003). Time saver standards for building types, new york, MC Graw Hill.